

# باز هم افغانستان و ...

نقدی بر رمان «بادبادک باز» نوشته خالد حسینی، نویسنده افغان

علیرضا آقایی راد



بادبادک باز

نوشته خالد حسینی، ترجمه زیبا گنجی و پریسا سلیمانی  
انتشارات مروارید

افغانستان و به تبع آن آدم‌های این جامعه در سه مرحله زمانی: ۱. پیش از حمله شوروی به افغانستان؛ ۲. افغانستان تحت اشغال شوروی، ۳. افغانستان دوران طالبان، پیردازد.

نویسنده در این اثر، از زاویه اول شخص، راوی وقایع بوده تا بتواند در هر سه مرحله زمانی یادشده کشور افغانستان حضوری روشن‌گرانه داشته باشد. نویسنده در این کتاب مخاطبش را همپای خود از کوچه‌های کودکی‌اش در افغانستان آباد و پر رونق می‌گذراند و به عصر اشغال و بعد هم طالبانیسم می‌رساند و حتی وی را در سختی‌های مهاجرت به کشورهای دیگر نیز سهیم می‌کند. او حتی خواننده‌اش را به اندازه نیاز، با آداب، رسوم و سنن جامعه افغانستان می‌آمیزد تا وی در این سفر خود را بیگانه با شرایط و محیط احساس نکند.

آدم‌ها در این رمان به بهترین شکل ممکن پرداخت شده‌اند و هیچ زاویه مجهول و تاریکی که باعث تأثیر در فهم مخاطب گردد از آنان باقی‌نمانده است که این خود به باورپذیری بیشتر اثر کمک می‌کند.

## شخصیت و حوادث در رمان «بادبادک باز»

رمان «بادبادک باز» اثری تقریباً پرشخصیت است.

امیر (به عنوان راوی داستان)، پدر امیر، حسن (دوست دوران کودکی

رمان «بادبادک باز»، اولین تجربه خالد حسینی، نویسنده افغانی الاصل مقیم آمریکاست. رمانی که برای نویسنده‌اش شهرتی باور نکردنی و زود هنگام به دنبال داشت. به همین دلیل است که «گیسل تو» می‌گوید:

«خالد حسینی در اولین رمان خود (بادبادک باز) به دستاوردی نائل آمده

که فقط تعداد اندکی از نویسندگان معاصر به آن دست پیدا کرده‌اند.»

این رمان در کشور ما نیز از سوی انتشارات مروارید چاپ و روانه بازار شد و با استقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه‌رو گردید و تا مدت‌ها بحث اول محافل ادبی و داستانی کشور بوده است. در این مجال سعی داریم نگاهی موشکافانه به این رمان داشته باشیم.

## ساختار کلی رمان بادبادک باز

رمان «بادبادک باز» به نوعی یک اتوبیوگرافی انسانی و جغرافیایی است. ما در این رمان از سن ۱۲ سالگی با نویسنده همراه می‌شویم و با او از پیچ و خم سال‌ها و روزها و حوادث تلخ و شیرین می‌گذریم تا به دوره معاصر می‌رسیم.

حسینی در این رمان سعی می‌کند تا با نگاهی موشکافانه و تحلیل‌گرانه و تا حد امکان خالی از غرض‌ورزی‌های شخصی و قضاوت‌های مغرضانه، در قالب داستانی جذاب و پر حادثه، به بررسی تحولات پیرامون کشور

## رمان «بادبادک باز» به نوعی یک اتوبیوگرافی انسانی و جغرافیایی است. ما در این رمان از سن ۱۲ سالگی با نویسنده همراه می‌شویم و با او از پیچ و خم سال‌ها و روزها و حوادث تلخ و شیرین می‌گذریم تا به دوره معاصر می‌رسیم

گذشته، روبه‌رو شدن با خود گناهکار و در یک کلام، تمام حوادث اصلی داستان را به وجود آورده و می‌سازد.

در طول این رمان هر آنچه در یک زندگی عادی و روزمره برای هر انسانی رخ می‌دهد، اتفاق می‌افتد، با این تفاوت که این روند به دلیل حوادث پیش آمده در تاریخ معاصر کشور افغانستان چند پاره شده و در مکان‌های جغرافیایی متعددی به وقوع می‌پیوندد. بدین معنی که اگر امیر، دوران کودکی خود را در افغانستان آباد و آزاد می‌گذراند دوران نوجوانی و جوانی او در کشوری ویران از هجوم بیگانه و در مسیر مهاجرت ناخواسته به پاکستان و آمریکا سپری می‌شود و مرگ پدر و ازدواج او نیز به همین خاطر دور از خانه و در غربت به وقوع می‌پیوندد. و حتی این فاصله او را مجبور می‌کند برای جبران گذشته خود سفری پرمخاطره و سخت را به سوی سرزمین مادری‌اش تجربه کند.

این خط سیر چند مکانی، تقریباً برای تمام شخصیت‌های داستان کم و بیش و به اشکال متفاوت به وقوع می‌پیوندد. این چند مکانی شدن داستان، خود کمک شایانی به تزریق تنوع و جلوگیری از کسالت‌بار شدن خط سیر داستان می‌کند. که وقتی ما به همراه امیر جوان و پدرش افغانستان آباد دوران کودکی او را ترک می‌کنیم در هنگام بازگشت به همراه او به افغانستان تحت حاکمیت طالبان با چنان تصاویر متفاوت و گاهی هراسناکی روبه‌رو می‌شویم که اگر امیر در افغانستان می‌ماند و مهاجرت نمی‌کرد هرگز امکان تجربه کردنش را (به وسطه عادی شدن) به دست نمی‌آوردیم. به عنوان مثال: اگر صحنه سنگسار زن و مرد افغانی در زمین فوتبال و یا فوتبال بازی کردن دو تیم با شلوار و یا درگیری سربازان طالبان با تماشاگری که بعد از به ثمر رسیدن گل، شادی می‌کند و صحنه‌هایی از این دست چنان تأثیر شگرف و عظیمی در ما به عنوان مخاطب می‌گذارد، دلیلی ندارد جز دوری چند ساله ما به همراه امیر از افغانستان و به تبع آن باقی ماندن همان تصاویر زیبا و رمانتیک از این کشور در ذهن ما.  
و کلام پایانی:

رمان «بادبادک باز» تمام مشخصه‌های لازم برای تبدیل شدن به اثری ماندگار و زیبا را در خود دارد و خالد حسینی به عنوان نویسنده این رمان نشان داده که توانایی بسیار زیادی را برای تبدیل شدن به چهره‌ای جهانی دارد.

و در پایان لازم است به ترجمه روان، زیبا و قابل قبول مترجمان این اثر خانمها «پریسا سلیمان‌زاده» و «زیبا گنجی» که کمک شایانی به مقبول واقع شدن این رمان در بین مخاطب ایرانی کرده است، اشاره کنیم.

امیر و پسر سرایدار خانه آنها، علی (پدر حسن)، صنوبر (مادر حسن)، رحیم‌خان (دوست خانوادگی راوی)، خانم طاهری (مادرزن امیر)، تیمسار (پدر زن امیر)، ثریا (همسر امیر) و ... که تنها تعدادی از شخصیت‌های این رمان محسوب می‌شوند در نگاه اول می‌توانند عامل هرج و مرج در داستان و در نهایت سردرگمی مخاطب شوند. اما نویسنده آنچنان با مهارت و بجا از شخصیت‌های خود استفاده کرده و آنها را با استادی تمام به متن تزریق نموده که نه تنها به عاملی بازدارنده در داستان تبدیل نشده‌اند، بلکه حذف هر کدام از این خیل شخصیت، ضربه‌ای آشکار به داستان می‌زند.

حسینی در کنار پرداخت مناسب و بازی‌گیری به موقع از شخصیت‌های داستانش، بسیار سعی کرده است تا از تبدیل شدن هر یک از آنها به Super star جلوگیری کند و در این راه حتی گاهی خود امیر نیز (به عنوان راوی داستان و نماینده نویسنده) کاملاً به حاشیه رفته و تنها همان نقش روایتگری را ایفا می‌کند.

حسینی برای بهتر رسیدن به این هدف (جلوگیری از ساخته شدن تک ستاره) با نگاهی یکسان به تمام شخصیت‌های داستانش، آنان را به کامل‌ترین شکل ممکن کالبدشکافی شخصیتی کرده و در مقابل دید مخاطب قرار می‌دهد؛ و شاید به همین دلیل است که تمام شخصیت‌های رمان بادبادک باز، رازی پنهان و نقطه‌ای تاریک و منفی در زندگی خود دارند. به عنوان مثال: احساس گناه امیر از رفتار گذشته‌اش با حسن، حرامزاده بودن حسن، رابطه نامشروع پدر امیر با مادر حسن (و به تبع آن تولد حسن)، فرار ثریا در سن ۱۸ سالگی با پسری از خانه، مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفتن سهراب (پسر حسن) و ... نمونه‌هایی از این نقاط تاریک است.

در کنار شخصیت‌ها، حوادث نیز در رمان «بادبادک باز» نقشی تأثیرگذار و جریبان‌ساز ایفا می‌کنند و به همین دلیل می‌توان گفت که این رمان، رمانی حادثه‌محور نیز هست که اگر نبود حوادث پیش‌روی شخصیت‌های داستان هیچگاه کشمکش‌ها، گره‌افکنی‌ها و اتفاقات موجود در اثر شکل نمی‌گرفت و آدم‌های داستان، تا درجه افرادی عادی با زندگی‌ای یکنواخت و معمولی نزول می‌کردند. کما این که تا قبل از گذار از مرحله اول داستان و ورود به افغانستان تحت اشغال شوروی، حوادث داستان تنها حول معرفی شخصیت‌ها، بازیگوشی‌های کودکان، اختلاف بین امیر و پدر و ... می‌چرخد و این حادثه حمله شوروی به افغانستان تحت اشغال شوروی، حوادث داستان تنها حول معرفی شخصیت‌ها، بازیگوشی کودکان، اختلاف امیر و پدر و ... می‌چرخد و این حادثه حمله شوروی به افغانستان و به دنبال آن دوران طالبانی است که مهاجرت، در به دری، فقر، مرگ، بازگشت به